روی خط سل

کیانی و اجرای قطعاتی با سنتور در بزرگداشت بهزاد

مجید کیانی، نوازنده سنتور رابطه نقاشی های بهزاد را با موسیقی بررسی خواهد کرد.

بنابر این گزارش، کیانی ۲۴ آذرماه طی برنامه ای که به همت فرهنگستان هنر برای بزرگداشت کمال‌الدین بهزاد در تالار وحدت برگزار می شود، به سخنرانی و اجرای چند قطعه با ساز سنتور می پردازد.

وی در خصوص اجرای قطعات و موضوع سخنرانی اش به خبرنگار «بانی فیلم» گفت: «قطعات هنوز به درستی مشخص نشده است، ولی این قطعات براساس نقاشی های بهزاد اجرا خواهد شد.»

وی در ادامه با اشاره به نقاشی «آمدن سلیم پیش مجنون» گفت: «این تصویر به لحاظ موسیقایی جنبه های اجرایی در دستگاه نوا را دارد و احتمالاً برای این تصویر که آخرین تصویر هم خواهد بود در دستگاه «نوا» قطعه‌ای را اجرا کنم، ولی باید متذکر شوم از آنجا که هنوز به درستی مشخص نشده است، امکان دارد که با دستگاه های دیگری چون «شور» هم قطعاتی اجرا کنم.

وی در خصوص موضوع سخنرانی اش گفت: «موضوع سخنرانی من، ارتباط موسیقی با نگارگری، به خصوص در آثار کمال‌الدین بهزاد خواهد بود.» گفتنی است که در آغاز این برنامه پوئم سمفونی بهزاد از آخرین ساخته های شاهین فرهت توسط ارکستر رادیو و تلویزیون به رهبری مرتضی پور اجرا خواهد شد.

عیادت هیأت مدیره خانه موسیقی از استاد فرامرز پایور

به گزارش میراث خبر، پس از ملاقات هیأت مدیره خانه موسیقی با علی تجویدی، آهنگساز و نوازنده قدیمی ویلن، خانه موسیقی تصمیم گرفته است با هدف قدردانی از یک عمر تلاش در حوزه فرهنگ و موسیقی، به ملاقات دیگر هنرمندان پیشکسوت نیز برود.

مدتی است فرامرز پایور نیز به دلیل کهولت سن و بیماری در منزل بستری شده است و نمی تواند در محافل هنری شرکت کند، به همین دلیل خانه موسیقی تصمیم گرفته است به عیادت این استاد موسیقی ایران برود، اما به دلیل رعایت آرامش حال ایشان تمام اعضایی که علاقمند به این عیادت بودند نمی توانند حضور داشته باشند و قرار بر این شده است که تعدادی از اعضای هیأت مدیره به نمایندگی خانه موسیقی به دیدار وی بروند.

کنسرت شهرام ناظری در تالار کشور

ایسنا: کنسرت شهرام ناظری با همراهی گروه مولوی از ۲۰ تا ۲۵ آذرماه در تالار بزرگ کشور برگزار می شود.

مدیرعامل کالج مجازی پارس معتقد است: آقای ناظری به این دلیل کنسرت برگزار کرد که دوست داشت خیلی از جوانان با آموزش و تجارب الکترونیک آشنا شوند.

وی همچنین از مساعدت وزارت کشور برای در اختیار گذاشتن تالار کشور برای کنسرت ناظری به خصوص مدیرعامل «خورشید تمدن روز» تقدیر کرد. امیرحسین مظاهری گفت که همکاری های مصرانه امیرموسوی، موسسه فرهنگی - هنری حافظ و مرکز موسیقی و کالج پارس، منجر به شکل گیری کنسرت ناظری شد.

گروه موسیقی «هم آوا» از مرگ سهراب می گوید

گروه موسیقی هم آوا با همکاری بنیاد رودکی و به سرپرستی مهدی نامدار ۳۰ آذرماه داستان کشته شدن سهراب به دست رستم را در تالار وحدت روی صحنه می برد.

به گزارش روابط عمومی مرکز موسیقی، زمان اجرای این برنامه ساعت ۲۰ و در سه قسمت جداگانه خواهد بود. در ابتدا بخش نقالی (مطابق سنت کهن نقالی) توسط «گرد آفرید» همراه با نمایش تصاویر مربوط به داستان اجرا می شود. سپس اجرای موسیقی و آواز با همخوانی است که بخش دیگری از داستان را روایت می کند و در پایان سخنرانی، تفسیر بخش سوم داستان توسط استاد شجاع پور شکل می گیرد.

مهدی نامدار، سرپرست گروه هم آوا که در جشنواره شانزدهم فجر داستان رزم رستم و افراسیاب را روی صحنه برده است در همین زمینه تصریح کرد که در این برنامه ابتدا ازدواج رستم با تهمینه و سپس مرگ سهراب به دست پدرش به تصویر کشیده خواهد شد. وی افزود: بخشی از این داستان نیز به مرگ انسان ها می پردازد که به واقع یک «داد» است، حال آنکه ما فکر می کنیم بیداد است.

نامدار در ادامه هدف خود از برگزاری این برنامه ها را آشنایی عمقی و تحلیلی مردم با شاهنامه ذکر کرد و در پایان گفت: قصد داریم در آینده هفت خوان رستم را با هفت دستگاه ایرانی تلفیق کنیم.

با داریوش سالاری درباره ویژگی های ساخت سنتور

یک دریا موسیقی!

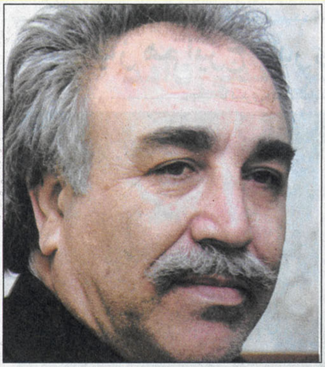

سنتور از جمله سازهای ایرانی است که ساخت و ساز و صدادهی آن ویژگی های خاص خود را دارد. شاهان تور یا سنتور کنونی یک ساز ذوزنقه‌ای شکل است با نمادی از کشتی و منظور از تور، تور ماهیگیری است و با این همه، طبیعی است که صدای آن تداعی کننده برخورد امواج دریا به صخره ها باشد و مضراب ها هم حالت پارو دارد. با داریوش سالاری - سازنده سنتور - در مورد ویژگی ها و ظرایف ساخت این ساز به گفت‌وگو نشسته‌ایم.

وی با اعلام این نکته که سنتور اقتباسی از دریاست گفت: موزیسین های مشرق زمین با توجه به بینشی که نسبت به طبیعت و آفرینش دارند، سعی کرده‌اند که در اکثر سازهایشان از طبیعت الهام بگیرند. مثلاً سه تار، سینه و دم قناری است و یا تنبور کردی، شبیه مرغ های کوهستانی است که سینه اش قدری بزرگ تر و دم کوتاه‌تری دارد و این شباهت از پهلو کاملاً مشهود است. منتها شکل های بدوی این کار، طی این ۶۰۰ سال تغییر کرده است. یعنی از شکل خیلی ضخیم و بزرگ به سازی ظریف و با تکنیک های پیشرفته تبدیل شده است.

سالاری با تأکید بر این نکته که ساخت ساز سنتی در ایران با تکنیک کارخانه‌ای غرب، کاملاً متفاوت است گفت: سنتور، سازی است که یک دوره تکاملی داشته و در دوره های مختلف ساخت آن، همیشه به شکل سنتی عمل می شده است. البته در قرن اخیر شیوه ساخت این ساز علمی تر شده و پیشرفت کرده است. شاید به این خاطر که سازندگان ساز، علم موسیقی را فرا گرفته‌اند. در گذشته امکان داشت یک نجار هم ساز بسازد اما الان دیگر حتماً باید سازنده، خودش موزیسین هم باشد تا آن را طراحی کند.

وی خاطرنشان کرد: شیوه ساخت ساز، یک شیوه سنتی و تجربی است که هر کس به نسبت تجاربی که دارد توانسته است بعضی مواد را به ساز اضافه کند. در قدیم قاعدتاً نمی توانستند چوب را به این ظرافت در بیاورند و به دست آوردن سیم فلزی هم یک تاریخچه ۶۰۰ ساله دارد. از زمان امیر خسرو دهلوی به این طرف می شود گفت که امیر خسرو دهلوی، مبتکر سازهای سیمی در مشرق زمین است. قبل از آن سیم فلزی نبوده و بیشتر از روده و ابریشم، در ساخت ساز استفاده می شده است. البته الان تکنیک های ساخت ساز هم تکامل پیدا کرده است. در گذشته از چسب های سنتی استفاده می شد، اما حالا چسب های صنعتی خیلی قوی به کار برده می شود و دیگر سازها بازشدنی و خراب شدنی نیستند و عمرساز بالا می رود.

سالاری ادامه داد: در ساخت سنتور از سیم های فلزی (۰۴۰) که در گذشته ضخامت بیشتری داشت، استفاده می شود. قدمت استفاده از این سیم ها به حدود یکصد سال پیش می رسد که با آمدن برق به تهران این سیم ها زیاد شد و سپس در ساخت سنتور مورد استفاده قرار گرفت. سیم های فنری برق فشار قوی است که در تلفن، صنعت قالب سازی، فنرسازی و... هم استفاده می شود.

وی اظهار داشت: همچنان که ساز تکامل پیدا کرده، تکنیک های نوازندگی و ساخت و ساز و حتی صدای آن هم تکامل پیدا کرده است. صدای سنتور از آن شکل بدوی و تودماغی درآمده و صدا بازتر و رساتر شده است. به‌طور کلی اکتاوهای صدایی از آن کم صدایی رها شده و زیبایی شناسی صدا و آکوستیک آن هم در ساخت ساز رعایت می شود.

این سازنده ساز خاطرنشان کرد: در همان زمان هم ابریشم و روده در ساخت ساز سنتور به کار برده نمی شد و اصلاً اینها صدای سنتور نمی دهند. اما عده‌ای هم به اشتباه می گویند که سیم سنتور از زمان فارابی بوده است، که در واقع چنین نبوده است. چون در قرن سه و چهار هجری قمری ما سیم فلزی نداشته‌ایم و این نوع سیم، ۶۰۰ سال است که به کاربرده می شود. پس قدمت سنتور هم به ۶۰۰ سال پیش می رسد. از سال ۶۷۴ تا ۷۲۵ هـ.ق یعنی زمان حیات امیر خسرو دهلوی. البته ایشان بسیاری از سازهای شرقی ساده را به سه اکتاو صدا تبدیل می کنند و شیوه های جدید آوازی، ابداع و احیا می شود و نتیجه اینکه ساز به اندازه حنجره انسان گنجایش می یابد.

سالاری با اعلام این نکته که قبل از این، همه سازها یک اکتاو و نیمه بوده‌اند و نه سه اکتاوه، گفت: بعد از امیر خسرو دهلوی، سنتور و سازهایی مثل سیتار، شهرود یا سارود و دلربا، شور بهار، شور شیرینگر، سارنگی، تار، سه تار، طبلا و تبک سازهایی هستند که طی قرون اخیر کامل شده‌اند و پیش از این، بسیار بدوی و ابتدایی بوده‌اند. سازهای یک اکتاو و نیمه که در ساخت آنها از روده یا ابریشم استفاده می شده اما الان با توجه به حجم صدایی و پیچیده شدن جامعه، دیگر شما نمی توانید صدای ابریشم را بشنوید چون گوش ها به شدت نسبت به صدای بم ضعیف شده و صدای زیر را بهتر تشخیص می دهیم، چرا که سر و صدا و ازدحام باعث شده که گوش های ما به صدای تیزتر راغب تر باشند تا صدای بم و حجم صدایی بالاتر از ۳۰ یا ۴۰ هرتس قابل شنیدن است. اما در قدیم این گونه نبوده، چون هم جمعیت کم بوده و هم تعداد سازها محدود و هم نوازنده ها و شنونده ها کم بوده‌اند، همه این عوامل باعث می شوند تا مسیر تکامل این سازها در ارتباط با نیاز جوامع کامل تر شود.

وی افزود: موسیقی اکتاو صدایی را تقسیم می کند و صدای مرد و زن را از هم جدا می کند. چهار نوع صدای کلی داریم و شش نوع صدای جزئی و انسان‌ها هم نسبت به این سیستم عادت می کنند.

> **عده‌ای به اشتباه می گویند که سیم سنتور از زمان فارابی بوده که در واقع چنین نبوده است چون در قرن سه و چهار هجری قمری ما سیم فلزی نداشته‌ایم**

سالاری با اشاره به اینکه شیوه های سنتورنوازی در ساخت آن تأثیر دارد، اظهار داشت: چون موزیسین ها صدادهی خاصی را می پسندند، به همین خاطر سبک های مختلفی به وجود می آید و در این یک صدساله چند سبک و شیوه بارز به وجود آمده است.

شاید بتوان گفت سبک مرحوم رضا ورزنده، قدیمی ترین سبک نوازندگی سنتور است. در این شیوه، حجم صدا خیلی زیاد است و قطر ساز تقریباً هفت سانتی متر است. سیم های سنتور، ضخیم تر است و نوازندگی آن با مضراب های قاشقی انجام می شود. برنامه گل های قدیم همیشه با ساز ایشان نواخته می شد. این شیوه کاملاً متفاوت از سبک استاد پایور است. استاد پایور همان سبک، حبیب سماعی را دنبال کردند، ساز مرحوم ورزنده ۱۱ و ۱۲ خرک است، اما ساز استاد پایور ۹ خرک است.

وی ادامه داد: البته سبک فضل التوکل هم داریم، آقای فضل التوکل، روی زیبایی صدا و تونالیته بم آن خیلی تأکید می کند و به همین خاطر است که ایشان یک شیوه جدید تصنیف نوازی را ابداع کردند. البته سبک خدابیامرز صارمی را هم داریم. ایشان هم سنتور ۱۱ خرک و ۱۲ خرک می نواختند و صدای ساز ایشان با ساز استاد پایور فرق می کند. اما سازهای استاد پایور، سوپرانوتر است و ساز استاد صارمی، بم خوان تر. یا می شود گفت که سازهای سل کوک و لاکوک را استاد پایور استفاده می کند و سازهای فاکوک و می کوک را مرحوم صارمی استفاده می کرد. این سازنده سنتور، خاطرنشان کرد: یک سری شیوه های سنتورنوازی هم داریم که به‌عنوان مثال مجید کیانی معتقد است که سنتور را باید با مضراب لخت و بدون نمد زد، اما استاد پایور تأکید دارد که باید با نمد نواخته شود. برای خودشان هم دلایلی دارند که در قدیم سنتور را با مضراب لخت می زدند و الان هم باید به همان شکل نواخته شود. البته قدیم تر از آن هم، سنتور را با دو خنجر فلزی می زده‌اند و قاعدتاً صدای ناهنجار فلز با فلز الان دیگر گوشنواز نیست و حتی با مضراب لخت زدن هم، برای ما قابل تحمل نیست. برای اینکه صدا تیزتر می شود و گوش را زودتر خسته می کند و یا اینکه در شیوه استاد پایور، تقه و تپ تپ و صدای اضافی پسندیده نیست، اما در شیوه های دیگر می گویند: صدا باید کمی تقه داشته باشد، یا کمی زنگ داشته و بم خوان یا زیر خوان باشد. اینها سلیقه های مختلف استادان ماست.

سالاری در پاسخ به این پرسش که این شیوه های متفاوت به چه شکل در ساخت سنتور اعمال می شود، گفت: با جابه جایی پل، کنترل ضخامت و با استفاده از انواع مختلف چوب گردو. چون این چوب خیلی متنوع است و قاعدتاً چوب گردویی که کهنه تر باشد، صدادهی بیشتری دارد، زیرا مواد پروتئینی و قندی در آن نیست. چوب هایی هم که الان من استفاده می کنم، بالای صدسال کهنگی دارد و به همین علت صدادهی اینها بیشتر قابل کنترل است.

هرچقدر چوب، تازه تر باشد، صدادهی کمتر و نامناسبی دارد. البته اینها تجاربی است که هر سازنده در مورد ساز به دست می آورد. اما مهم ترین قضیه‌ای که می تواند صدادهی را کم یا زیاد کند و یا به قول معروف بم تر یا زیرتر و یا گرم تر و سردتر کند، رعایت و کنترل ضخامت ها و نوع پل گذاری است. به ستون های چوبی که بین دو صفحه سنتور قرار می گیرد و محل قرارگیری شان متغیر است، پل می گویند، اما سبک استاد ناظمی با سبک من فرق می کند، ایشان پشت خرک های سفید را کنترل و تقویت می کند و من جلو خرک های سفید را و بر همین اساس طی ۱۵ سال اخیر، ما توانسته‌ایم نزدیک به ۲۰ تغییر اساسی در این ساز ایجاد بکنیم. البته جنس صداها هم به روز شده است. از آن شکل تودماغی خارج شده و آن گرفتگی قدیم را ندارد. هر چند که با تکنیک خاصی می توان آن را ایجاد کرد. ولی تونالیته صدایی را به راحتی توانستیم کنترل کنیم و بالا ببریم.

سالاری با اشاره به انواع مختلف سنتور از ساز کروماتیک سل کوک، ساز دوطرفه و سنتور ۱۸ خرکه نام برد و گفت: همه اینها بعد از تحولات یک صد سال اخیر به وجود آمده است. تکنیک های نوازندگی هم از زمان حبیب تا الان خیلی تغییر کرده و قوی تر شده است. سنتور کروماتیک یک قدمت ۵۰ ساله دارد. از زمانی که سازنده ها قصد کردند که این ساز را تکامل بخشند، شکل های ۱۱ خرک، ۱۲ خرک، ۱۰ و ۹ خرک به وجود آمد. اما اولین بار استاد ابراهیم قنبری سعی کردند، تعدادی خرک به این ساز اضافه کنند و با اضافه کردن چند خرک، روبه روی پوزیسیون سفید، به صدای سفید چند نت اضافه شد. البته ایشان این کار را روی یک ساز ۱۲ خرک انجام دادند و ما بعدها ساز نه خرک کروماتیک را هم ابداع کردیم. علاوه بر این، سازهای دوطرفه ساخته شده است که هر دو طرف سنتور خرک قرار می گیرد و سیم کشی می شود. البته حدود ۱۵ سال طول کشید تا سازهای دوطرفه تکامل پیدا کنند. در این ساز شما همیشه می توانید یک کوک آماده دیگر هم داشته باشید و هر دو طرف سنتور قابل استفاده است. یک میز چرخان هم دارد. البته اخیراً من سنتور هجده خرک هم ساخته ام که در واقع دو تا سنتور است. در پایین این ساز، سنتور باس داریم و در بالا سل کوک و لاکوک. البته سنتورهای جدیدتری هم مثل می کوک و فاکوک ساخته شد و ابعاد سنتورهای باس را هم تغییر دادیم تا با ابعاد کوچک در ارکستر استفاده بهتری داشته باشد.

باتهمورس پورناظری درباره «صبح روشن»

همه چیز به هم ریخته است!

تهمورس پورناظری، فرزند اول کیخسرو پورناظری که از سال ۱۳۶۸ تاکنون با گروه تنبور شمس همکاری داشته و در زمینه آهنگسازی، تنظیم و ضبط موسیقی هم آثاری دارد، این روزها آخرین مراحل انتشار مجموعه «صبح روشن» را می گذراند.

وی که در نواختن سازهایی چون تار، سه تار، تنبور، دف و عود نیز مهارت دارد، درباره آلبوم «صبح روشن» و استفاده از تکنیک های جدید موسیقی سنتی در این کار گفت: با یک فرم متفاوت به موسیقی اصیل نگاه شده و امکان دارد خیلی از دوستداران این نوع موسیقی آن را پاپ بخوانند ولی از دید من موسیقی ایرانی است. البته از سازهای غیرایرانی هم در این کار استفاده شده و نوع سازبندی و به خصوص استفاده از سازهای کوبه‌ای به صورتی است که تا به حال در موسیقی سنتی استفاده نشده است.

وی در مورد سازبندی این کار گفت: از تمام سازهای سنتی مثل تار، سه تار، بربط، کمانچه، سنتور، تنبک، دف و رباب استفاده شده است و همین طور از سازهای محلی مثل سرنا، دمام، دهل و سازهای غربی مثل ویلن، ویلن سل، آلتو، کنترباس، فلوت، هورن، ابوا، کلارینت و سازهای کوبه‌ای مثل تیمپانی، طبلا، مثلث و دو طبله.

البته دوطبله سازی است که من طرحش را ریخته‌ام و در موسیقی ایرانی سابقه‌ای ندارد و اولین بار در کار «مستان سلامت می کنند» مورد استفاده قرار گرفته است و در واقع دو تا تنبک است که به صورت عمودی روی هم قرار می گیرد و صدادهی و شخصیت آن متفاوت است البته به این ساز، الان تغییر شکل و وسعت بیشتری داده‌ایم که احتمالاً در کنسرت های آتی با نام «کوبان» مورد استفاده قرار می گیرد. این ساز تکمیل شده دوطبله است که از سازهای کوبه‌ای دیگر مثل کاسوره، دهل، دمام، تومبا و... هم، در یک مجموعه استفاده شده است.

پورناظری در پاسخ به این سؤال که این نوع از کار را در جرگه موسیقی تلفیقی می داند، گفت: موسیقی تلفیقی، در وضع فعلی جامعه ما این است که موسیقی پاپ را با سازهای ایرانی اجرا کنند.

ولی این کار پاپ نیست. هرچند که یک قطعه از هفت قطعه آن از کارهای قدیمی پاپ است که بازسازی شده و این بار برای ارکستر بزرگ تنظیم شده و حالت سمفونیک پیدا کرده است. به جز این قطعه، بقیه کارها در جرگه موسیقی دستگاهی ایرانی می گنجد که از آن جمله می توان به بیات ترک، اصفهان، شوشتری، نوا و اصفهان قدیم اشاره کرد.

این آهنگساز و نوازنده در ادامه افزود: در این مجموعه از چهار نوع ترکیب موسیقایی استفاده کرده‌ام. یکی، ارکستر ایرانی با سازهای زهی و تنظیم و هارمونیزه کردن آن که سه قطعه به همین ترتیب است و یک قطعه که روی شعری از حسین منزوی به نام «ایران» ساخته شده که در این قطعه فقط از سازهای موسیقی ایرانی و فرم آن و حتی سازهای محلی ایرانی استفاده شده‌است.

در قطعه دیگری که حالت موسیقی درویشی و خانقاهی دارد، فقط از سه تار، کمانچه و سازهای کوبه‌ای مثل دمام، دوطبله و دف استفاده شده و یک قطعه هم ارکستر زهی با سازهایی ایرانی است که فرم موسیقی ملی را دارد. پورناظری در مورد قطعه پاپ قدیمی، خاطرنشان کرد: آن قطعه، آهنگ معروف «مرا ببوس» است و خواننده آن هم فرشاد جمالی است. البته این قطعه در گام مینور قرار دارد و اصلاً حالت و فرم موسیقی سنتی را ندارد. در واقع کل مجموعه حالت یک دستی ندارد که بگوییم این یک قطعه آن وسط همخوانی ندارد و کلاً در این کار از فرم های مختلف موسیقی استفاده شده است. ضمن اینکه «مرا ببوس» هم به لحاظ شعر و هم به لحاظ موسیقی، کار بسیار زیبایی است.

اما به لحاظ معیاربندی، امروزه از دید من، همه چیز به هم ریخته است. موسیقی امروز ما، پاپ نیست.

وی علت این امر را بی ریشگی موسیقی امروز دانست و گفت: هیچ فرمی از موسیقی دنیا، در این نوع موسیقی وجود ندارد و به اشتباه موسیقی پاپ و مردمی خوانده می شود، چون آقای شجریان هم جزو مردم هستند. بهتر است بگویند موسیقی عامه پسند، موسیقی بازاری یا بی اصل و نسب که نه جذابیت موسیقی پاپ ایرانی را دارد و نه جذابیت موسیقی پاپ غربی را، یک چیز به هم ریخته عجیب و غریبی است که حتی جذابیت موسیقی لس آنجلسی را ندارد.

وی در زمینه ویژگی های موسیقی مردمی خاطرنشان کرد: مردم امروز ما، با مردم دیروز فرق می کنند، در این چهار، پنج ساله همه چیز فرق کرده و همه معیارهای موسیقی و حتی فرهنگ ما به هم ریخته است. از نظر من، موسیقی پاپ ما موسیقی روحوضی است. الان همه مرزها به هم ریخته‌اند. موسیقی سنتی، پاپ، کوچه بازاری و... هیچ چیزی سرجای خودش نیست، البته شاید این نوع موسیقی، محصول طبیعی شرایط باشد، اما از سوی دیگر، رسانه های ما هم مبلغ موسیقی غیرفرهنگی هستند و این باعث رکود بازار موسیقی فرهنگی و بی انگیزگی موزیسین ها شده است.

پورناظری در ادامه، تعریف خود را از موسیقی غیرفرهنگی این گونه ارائه کرد: موسیقی‌ای که در هیچ کدام از مراحل اجرا و تولید آن، توسط هیچ موزیسین برجسته‌ای، تأیید نشده باشد. تولیدات مرکز موسیقی صدا و سیما تولیدات برجسته و شاخصی نیست و به‌طور اعم از موسیقی تولید شرکت ها استفاده می شود. موسیقی های تولیدی شرکت ها هم که بیشتر جنبه بازاری دارد.

آهنگساز «صبح روشن»، در مورد تنوع قطعات این مجموعه گفت: خود من به لحاظ شخصیتی یا روحیه‌ای نمی پسندم که ۶۰ دقیقه موسیقی یکدست را در یک دستگاه یا یک ترکیب ارکستر بشنوم. الان دیگر گوش شنونده و حتی خود من پذیرش این نوع موسیقی را ندارد و جوابگو نیست. برای اینکه، امروزه دنیای ما، دنیای سرعت و کامپیوتر و ترافیک است. دیگر آن روزگار گذشت که یک قطعه، ۱۰ دقیقه مقدمه داشت، بعد، ۱۰ دقیقه آواز و بعد هم تصنیف که در نهایت کاری بود که از رادیو پخش می شد و یا به صورت نوار و صفحه و... منتشر می شد. در آن زمان، هر سال چهار یا پنج کار منتشر می شد ولی الان هر هفته چهار کار منتشر می شود. همه چیز متفاوت است و اصلاً قابل قیاس نیست. فکر می کنم، نمی توانیم این طور بیندیشیم که موسیقی سنتی از جایی آغاز می شود و به نقطه دیگری ختم می شود. این طرز فکر جوابگوی زمانه ما نیست. در حالی که تنوع دادن به انواع و اقسام موسیقی، باعث بازگشت مخاطب این نوع موسیقی ها و جذابیت های تازه می شود و اصلاً بی تأثیر نیست. پورناظری در زمینه نوآوری در کار جدیدش گفت: من ترجیح می دهم نه بگویم نو و نه سنتی! چون موسیقی که نو نباشد، اصلاً موسیقی نیست.

گپ

گفت‌وگو با مهران پورمندان

تجددگرایی در موسیقی سینمای ناطق

مهران پورمندان، مؤلف و مترجم موسیقی - که جلد اول «تاریخ تحلیلی موسیقی فیلم» او قبلاً منتشر شده بود، این روزها به همراه یک تیم مشغول تدوین جلد دوم این کتاب است. با او در همین زمینه به گفت و گو نشسته‌ایم.

◆ **در جلد اول کتاب «تاریخ تحلیلی موسیقی فیلم» به چه مواردی توجه داشته اید؟**

- ما از موقعی که سینما متولد می شود تا امروز به بررسی روند تحلیلی و کارکرد موسیقی در فیلم می پردازیم. از دوران صامت شروع می کنیم و سپس به دوران ناطق می پردازیم. فیلمسازان آن دوره، آهنگسازان و نقش موسیقی که در دوران سینمای ناطق، کارکرد آن عوض می شود و آهنگسازان در این دوران مطرح می شوند. در جلد یکم این کتاب به طور تخصصی به آثار آهنگسازان تا دهه ۹۰ در تاریخ سینمای جهان می پردازیم.

◆ **گویا در جلد دوم به سینمای ایران و موسیقی فیلم های داخلی می پردازید؟**

- در این کتاب سینمای ایران را از آغاز دوران نمایش فیلم در کشور یعنی از سال ۱۲۹۵ تا ۱۳۵۷ مورد بررسی قرار می دهیم. از بعد از مشروطیت تا هنگامی که اوگانیانس در ایران فیلمسازی را شروع می کند. پس از دوران صامت هم سپنتا، سینمای ناطق را شروع می کند و سپس از سال ۱۳۱۵ تا ۱۳۲۷ هیچ فیلمی در ایران ساخته نمی شود. البته ما علت ها را هم بررسی کرده‌ایم و اینکه موسیقی در این دوران چه تغییراتی داشته است. چون از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ تغییرات هنری و اجتماعی بسیاری داشته‌ایم و در دوران رضاشاه است که موسیقی ما متحول می شود. البته در این دوران در تمام اشکال اجتماعی و هنری تغییراتی به وجود می آید که ناشی از تجددگرایی جامعه است و حتی شکل های کاربردی و اجتماعی ما هم تغییر می کند و ما تازه متوجه پیشرفت غربی ها شده‌ایم. در سال ۱۳۲۷، اسماعیل کوشان اولین فیلم را می سازد. از آن دوران تا سال ۴۲، زمان اصلاحات ارضی مورد بررسی قرار می گیرد که فیلمسازهای متفاوتی مثل کاووسی، فرخ غفاری و صمدزاده که تحصیلکرده های فرانسه هستند وارد میدان می شوند و البته اینها هم نمی توانند کار کنند و از آن سو هم جریان فیلمفارسی شکل می گیرد که کارکرد موسیقی در آن متفاوت است. پس از آن هم تغییرات دیگری در موسیقی فیلم و موج نوی سینمای ایران و ویژگی های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و هنری به وجود می آید که تبلور همه اینها در موسیقی دیده می شود.

اما از سال ۱۳۴۲ و با اصلاحات ارضی و فراهم آمدن زمینه های مناسب اقتصادی آهنگسازان تحصیلکرده‌ای چون هرمز فرهت، لوریس چکناواریان و منفردزاده هم قدم به این عرصه می گذارند. که البته منفردزاده جریان خاص خودش را دارد. در این زمینه با بسیاری از کارگردان ها و دست اندرکاران سینما صحبت کرده‌ایم و آهنگسازانی که در دسترس بوده‌اند و همین طور افرادی که در کار میکس موسیقی بوده‌اند از جمله مرحوم روبیک منصوری و... که طیف بسیار وسیعی را در بر می گیرد.

◆ **در شروع سینمای ناطق در ایران، به لحاظ آهنگسازی تحت تأثیر موسیقی تخت حوضی خودمان بوده‌ایم یا نشانه های آهنگسازی غربی؟**

- اولین فیلم سینمای ناطق ایران، «دختر لر» است که به اسم سپنتا تمام می شود و عملاً اردشیر ایرانی آن را می سازد. اما موسیقی این فیلم، تقریباً به موسیقی روحوضی ما نزدیک است. البته نشانه هایی از تجددگرایی در موسیقی این فیلم دیده می شود که گلنار در نهایت پیانو می زند. البته در سکانس اول فیلم ما با یک نوع موسیقی کولی ها مواجهیم که موسیقی عرب را در خودش دارد، اما به هیچ وجه نمی توانیم بگوییم این کار به طور تعمدی انجام شده و به نظر من، کاملاً اتفاقی است و ما نمی توانیم به طور مشخص در فیلم های بعدی سپنتا، این نوع موسیقی را پیدا کنیم. در فیلم هایی مثل «چشمان سیاه» و «فردوسی»، بیشتر با یک نثر موزون با حالت دکلمه مانند و گوشه هایی از موسیقی ایرانی مواجهیم. البته خود سپنتا هم به تاریخ و ادبیات ایران علاقه بسیاری داشت. اما در فیلم های بعدی او، آنچنان اثری از موسیقی نمی بینیم و فکر می کنم در یکی از فیلم ها یک نوازنده ویلن را به نام مصطفی نوریانی برای کار موسیقی استخدام می کند.

اما در دوران ناطق، آوانس اوگانیانس در «مدرسه آرتیستی اوگانیانس»، موسیقی هم آموزش می دهد و حشمت سنجری در حالی که در این مدرسه، دوره بازیگری را می گذارنده، موسیقی هم تدریس کرده است و چون اوگانیانس، تحصیلکرده موسیقی بوده، از نظر فرهنگی این را ارزش می دانسته که کسی موسیقی بداند و به همین دلیل روی تئوری موسیقی و سواد موسیقی هنرجویانش کار می کرده است. این اتفاق دیگر در محافل آکادمیک ما نمی افتد تا سال های دهه ۵۰ که در دانشکده های سینمایی، به موسیقی به عنوان یک واحد آموزشی توجه می شود.

◆ **آیا از نوازندگان پای پرده دوران سینمای صامت اطلاعی در دست است که چه کسانی بودند؟**

- بله، می توان به مرحوم خالدی و جواد معروفی اشاره کرد. البته اینها بیشتر برای نمایش فیلم های خارجی سینمای صامت، پیانو می زده‌اند و برای فیلم های داخلی معمولاً از صفحه گرامافون و آهنگ های ساخته شده استفاده شده است. البته در آن دوران سینمادارهای ما به خاطر رقابتی که با هم داشته‌اند، سعی می کردند تا این جذابیت ها را بیشتر کنند و حتی گاهی در کنار فیلم، بستنی و لیموناد هم می داده‌اند. از سال ۱۳۱۵ تا ۱۳۲۷ هم فیلمی ساخته نشده و از آن سال تا ۱۳۴۲، به طور جدی تلاش هایی برای موسیقی فیلم در جامعه ما انجام می شود که چون جامعه از نظر فرهنگی ظرفیت پذیرش یک موسیقی جدی را نداشته، آن فیلم ها هم با شکست مواجه می شوند.